

توضیح سؤال :

اگر به قول شیعه در غدیر خم چندین هزار نفر حضور داشتند ، چرا بعد رسول خدا (ص) با ابوبکر بیعت کردند ؟

آیا همه این افراد ، سخنان رسول خدا را آنهم بعد از چند روز فراموش کردند ؟

پاسخ :

هیچ یک از کسانی که در واقعه غدیر خم حضور داشتند ، سخنان رسول خدا را فراموش نکرده بودند ؛ بلکه برخی به خاطر ترس از جان و مال و برخی دیگر به خاطر حبّ دنیا و ریاست ، و یا به خاطر بغض و کینه‌ای که از امیر المؤمنین علیه السلام در سینه داشتند ، خود را به فراموشی زدند ؛ چنانچه غزالی ، عالم مشهور اهل سنت در باره پیمان شکنی عمر بن خطاب می گوید :

من فطبتہ فی یوم غدیرم باتفاق الجمیع وهو یقول: « من کنت مولاه فعلى مولاه » فقال عمر بخ بخ یا

أبا المسن لقد أصبمت مولای ومولای کل مولی فهذا تسلیم ورضی وتمکیم ثم بعد هذا غلب الهوى تمب

الریاسة وممل عمود الخلافة وعقود النبوة وففقان الهوى فی قحقحة الرايات واشتباک ازدماج الفیول و

فتح الأمصار وسقاهم كأس الهوى فجادوا إلى الخلاف الأول: فنبذوه وراء ظهورهم واشتروا به ثمناً قليلاً.

سر العالمین وکشف ما فی الدارین ، ابوحامد غزالی ، ج 1 ، ص 4 ، باب فی ترتیب الخلافة والمملکة

این کتاب را در این سایت نیز می‌توانید پیدا کنید :

<http://www.alwarraq.com>

از فطبه‌های رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) فطبه آن مضرت به اتفاق همه مسلمانان

در روز عید غدیر فم است که در آن فرمود : هر کس من مولا و سرپرست او هستم ، علی مولا و سرپرست

او است . عمر پس از این فرمایش رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به علی (علیه السلام) این

گونه تبریک گفت :

«افتخار ، افتخار ای ابوالحسن ، تو اکنون مولا و رهبر من و هر مولای دیگری هستی .»

این سفن عمر مکایت از تسلیم او در برابر فرمان پیامبر و امامت و رهبری علی (علیه السلام) و نشانه

رضایتش از انتصاب علی (علیه السلام) به رهبری امت دارد ؛ اما پس از گذشت آن روزها ، عمر تمت

تأثیر هوای نفس و علاقه به ریاست و رهبری فودش قرار گرفت و استوانه فلافت را از مکان اصلی تغییر

داد و با لشکر کشی‌ها ، برافراشتن پرچم‌ها و گشودن سرزمین‌های دیگر ، راه امت را به افتلاف و بازگشت

به دوران جاهلی هموار کرد و [مصدق این آیه قرآن شد :

پس، آن [عهد] را پشتِ سرِ خود انداختند و در برابر آن ، بهایی ناپیز به دست آوردند، و چه بد

معامله‌ای کردند.

البته ذهبی ، یکی دیگر از بزرگان اهل سنت ، همین مطلب را از غزالی نقل کرده ؛ اما مثل همیشه دستان امانت‌دارش تغییراتی را به نفع عمر بن الخطاب اعمال کرده است .

رک : سیر أعلام النبلاء، ج 19، ص 328 ، ترجمه ابوحامد غزالی .

ضمن این که بسیاری از مسلمانان ؛ همانند فاطمه زهرا ، سعد بن عباد و ... تا آخر عمر و برخی دیگر تا ماهها بعد با ابوبکر بیعت نکردند ؛ ولی بعد از آن که ابوبکر به قدرت کامل رسید ، با زور شمشیر و سرنیزه مخالفین را مجبور به بیعت کردند .

چنانچه محمد بن اسماعیل بخاری در صحیح ترین کتاب اهل سنت بعد از قرآن در باره عدم بیعت حضرت زهرا سلام الله علیها و ناراحتی آن حضرت از دست ابوبکر می‌نویسد :

فَخَفِيَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ ، فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ مَتَى تُوَفِّيَتْ .

صحیح البخاری ، ج 4 ، ص 42، ح 2862.

فاطمه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) از دست ابوبکر نارامت شد ، و تا زمانی که از دنیا نرفته بود ، از دست او نارامت بود .

و نیز در باره تخلف بسیاری دیگر از صحابه می‌نویسد :

مِنْ تَوَفَى اللَّهُ نَبِيَّهُ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - إِلَّا أَنَّ الْأَنْصَارَ فَالْفُونََا وَاجْتَمَعُوا بِأَسْرِهِمْ فِي سَقِيْفَةِ بَنِي

سَاعِدَةَ ، وَخَالَفَ عَنَّا عَلِيُّ وَالزُّبَيْرُ وَمَنْ مَعَهُمَا .

صحیح بخاری ، ج 8 ، ص 26 ، کتاب المحاربين .

زمانی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) از دنیا رفت ، تمامی انصار با مخالفت کردند و در سقیفه بنی

ساعده جمع شدند ، و نیز علی (علیه السلام) و زبیر و کسانی که همراه آن‌ها بودند ، با ما مخالفت کردند .

برای اطلاع بیشتر در این باره به این آدرس مراجعه فرمایید :

<http://valiasr-aj.com/fa/page.php?bank=salam&id=۷>